

حضرت آیت الله سید علی قاضی طباطبایی (ره) می فرمایند:

اگر به جست و جوی آب زمین را کنی، نباید خسته و ناامید شوی، اگر وقتش باشد به آب می رسی، وگرنه ناامید نشو که بالاخره به آب می رسی و حتی آب برایت فوران می کند.

در مورد عبادت نیز می فرمایند: هرچه بادا باد، در بحر جنون پا می زنم، امشب کشفی نصیبم شد شد، نشد نشد، امشب خوابی دیدم دیدم، ندیدم ندیدم، من کشف نمی خواهم، تمام این مدت چهل سال آن هم برای زرق و برق و کشف و کرامتی چندان؟ نه! من معرفت خودش را می خواهم.

دوست مارا و همه نعمت فردوس شما را به ثقل از آیت الله نجابت (ره)

ماهنامه مشکات در جمعه اول هر ماه پس از نماز جماعت مغرب و عشاء توزیع می گردد.

در مسجد چه خبر؟

- شهادت حضرت امام محمد تقی (ع) - ۱۴ مهر
- سالروز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) - ۱۵ مهر
- شهادت حضرت امام محمد باقر (ع) - ۲۱ مهر
- روز عرفه - ۲۳ مهر
- عید سعید قربان - ۲۴ مهر
- ولادت حضرت امام علی النقی (ع) - ۲۹ مهر
- عید سعید غدیر غم - ۲۲ آبان

تهیه و تنظیم:

واحد فرهنگی کانون بقیه الله - مسجد صاحب الزمان (عج) رضی آباد پایین

www.shr-baghiyatalah.ir

عزیزانی که مایل به همکاری می باشند مطالب خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

E-Mail: Mahname.meshkat@yahoo.com

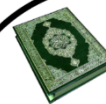
مشکات

﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ﴾

و این که برای انسان جز آنچه تلاش کرده، (بهره دیگری) نیست.

و این که تلاش و سعی او را به زودی به وی بنمایند.

آیات ۳۹ و ۴۰ سوره ی نجم



کار و تلاش در قرآن

سؤال: آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» می‌گوید: برای انسان بهره‌ای نیست مگر آنچه تلاش کرده باشد، در صورتی که در آیات و روایات دیگر می‌خوانیم که انسان گاهی از طریق شفاعت، به بهشت وارد می‌شود.

پاسخ: اولاً این آیه در رتبه تفکر جاهلی است که به یکدیگر می‌گفتند: اگر فلان مبلغ را به من بدهی، من بار گناه تو را به عهده می‌گیرم. قرآن کریم فرمود: هیچ کس بار گناه کسی را به عهده نمی‌گیرد و برای هر کس کار و تلاش خودش ثبت می‌شود.

ثانیاً آیه، نظر به عدل الهی دارد نه فضل الهی، یعنی طبق عدل، باید کیفر و پاداش هر کس به مقدار تلاش او باشد، ولی خداوند از فضل خود می‌تواند لطف کند و پاداش را بیشتر دهد و یا کیفر را کم کند. «و یزیدهم من فضله»^۱

ثالثاً: اگر در روایات می‌خوانیم که هر کس سنت خوب یا بدی را در جامعه پایه‌گذاری کند، در پاداش و کیفر تمام کسانی که آن راه را رفته‌اند، شریک است، این معنا با آیه «لَیْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» منافاتی ندارد، زیرا ایجاد کننده خط حق و باطل نیز با واسطه‌ی دلالت و راهنمایی یا ایجاد مقدمات و امکانات یا تبلیغات و تشویقات و یا حمایت‌های دیگر مادی و معنوی، به طور غیر مستقیم نوعی تلاش کرده است و بهره گرفتن از آن پاداش بی‌جهت نیست، چنانکه اگر شخصی در خط صحیح نبود، مشمول شفاعت نمی‌شد.

در روایات می‌خوانیم که انسان پس از مرگ از کارهای نیک فرزند صالح خود یا کتاب و موقوفاتی که از او به یادگار مانده، کامیاب می‌شود.^۲ و یا در بهشت، نسل صالح انسان به او ملحق می‌شود.^۳ یا از کار خیری که سفارش و وصیت کرده، بهره‌مند می‌شود.^۴

در تمام این موارد گرچه انسان مستقیماً سعی و تلاشی نکرده، ولی غیر مستقیم از طریق تربیت فرزند صالح، وقف، وصیت یا کتاب خوبی که به یادگار گذاشته، نقش داشته است.

(۱) نساء، ۱۷۳.

(۲) خصال، ص ۱۵۱.

(۳) طور، ۲۱.

(۴) کافی، ج ۴، ص ۳۱۵.



احکام معاملات حرام

در چند مورد معامله باطل است:

- ۱- خرید و فروش عین نجس، برای استفاده‌هایی که شرط آن، پاک بودن آن چیز باشد.
- ۲- خرید و فروش مال غصبی، مگر آن که صاحبش معامله را اجازه دهد.
- ۳- خرید و فروش چیزهایی که ارزش مالی ندارند.
- ۴- معامله چیزی که منافع معمولی آن حرام باشد، مثل آلات قمار و موسیقی.
- ۵- معامله‌ای که در آن ربا باشد.

در مورد ۳: چیزهایی که نجس نیستند ولی منافع حلالی که مورد قصد عقلاء باشد ندارند، از قبیل حشرات و بعضی حیوانات و فضله‌ها که نجس نیستند، و مردار حیواناتی که خون جهنده ندارند، معامله آنها باطل است، مگر این که به حسب زمان‌ها و مکان‌های مختلف منافع عقلایی داشته باشد، مثل گرفتن روغن از ماهی مرده، که در این صورت معامله صحیح است.

برگرفته از رساله عملیه آیت الله بهجت، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله سیستانی

اندکی درنگ

خدایا!!... مدعیان رفاقت، هر کدام تا نقطه‌ای همراهند... عده‌ای تا مرز منفعت... عده‌ای تا مرز مال... عده‌ای تا مرز جان... عده‌ای تا مرز آبرو... و همگان تا مرز این جهان... تنها تویی که همواره می‌مانی!... رهاایم نکن...

خدای من! نه آن قدر پاکم که کمکم کنی و نه آن قدر بدم که رهایم کنی... میان این دو گمم! هم خود را و هم تو را آزار میدهم... هر چه قدر تلاش کردم نتوانستم آنی باشم که تو خواستی، کمکم کن...



وصیت نامه شهید مرتضی آوینی



زندگی زیباست، اما شهادت از آن زیباتر است؛ سلامت تن زیباست، اما پرنده‌ی عشق، تن را قفسی می‌بیند که در باغ نهاده باشند. و مگر نه آنکه گردن‌ها را باریک آفریده‌اند، تا در مقتل کربلای عشق، آسانتر بریده شوند.

و مگر نه آن‌که از پسر آدم، عهدی ازلی ستانده‌اند که حسین را از سر خویش، بیشتر دوست داشته باشد.

و مگر نه آن‌که خانه تن، راه فرسودگی می‌پیماید تا خانه روح، آباد شود. و مگر این عاشق بی‌قرار را بر این سفینه سرگردان آسمانی، که کره‌ی زمین باشد، برای ماندن در اصطبل خواب و خور آفریده‌اند. و مگر از درون این خاک، اگر نردبانی به آسمان نباشد، جز کرم‌هایی فربه و تن‌پرور برمی‌آید.

ای شهید، ای آن‌که بر کرانه‌ی ازلی و ابدی وجود بر نشسته‌ای، دستی برار و ما قبرستان نشینان عادات سخیف را نیز، از این منجلاب بیرون کش."

شهید سید مرتضی آوینی در شهریور سال ۱۳۲۶ در شهر ری متولد شد و در روز بیستم فروردین ۱۳۷۲ در منطقه فکه در حال بررسی لوکیشن فیلم مستند شهری در آسمان، بر اثر اصابت ترکش مین باقی مانده از جنگ ایران و عراق به دیار باقی شتافت.

شادی روحش صلوات

نامه ۶۲ نهج البلاغه

به خدا سوگند، اگر به تنهایی با دشمنان مواجه می‌شدم و آنان تمام زمین را پر کرده بودن نه باک داشتم و نه می‌ترسیدم زیرا از گمراهی‌ای که ایشان در آن هستند، و هدایتی که خود بر آن هستم، نیک آگاهم و از جانب پروردگارم بریقینم

من آرزومند دیدار خدایم، و در انتظار و امیدوار به پاداش نیک او هستم.

نهج البلاغه - قسمتی از نامه ۶۲ - نامه امام علی (ع) به مردم مصر که آن را همراه مالک اشتر فرستادند

بدون شرح...

چند قورباغه از جنگلی عبور میکردند که ناگهان ۲ تا از آنها به داخل چاهی عمیق میفتند .. بقیه قورباغه ها در کنار گودال جمع شدند و وقتی دیدند گودال چقدر عمیق است به آن ۲ گفتند : چاره ای نیست شما به زودی میمیرید .. ۲ قورباغه این حرف ها را نادیده گرفتند و با تمام توانشان کوشیدند که از گودال بیرون آیند .. اما دائما قورباغه های دیگر به انها میگفتند دست از تلاش بردارید.. چون نمیتوانید خارج شوید ... به زودی خواهید مرد.. بالاخره یکی از ۲ قورباغه تسلیم شد و به داخل اعماق گودال افتاد و مُرد.. اما قورباغه دیگر حداکثر توانش را برای بیرون آمدن به کار گرفت .. بقیه قورباغه ها فریاد میزدند که دست از تلاش بردار اما او با توان بیشتری تلاش کرد و بالاخره خارج شد ... وقتی بیرون آمد بقیه از او پرسیدند مگر صدای ما را نمیشنویدی؟؟؟.. معلوم شد که قورباغه ناشنواست .. او در تمام مدت فکر میکرده که دیگران وی را تشویق میکنند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَا مِنْ أَحَدٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَيَتَمَنَّى أَنْ يَخْرَجَ مِنْهَا إِلَّا شَهِيدٌ، فَإِنَّهُ يَتَمَنَّى أَنْ يَرْجِعَ فَيَقْتُلَ عَشْرَ مَرَاتٍ مِمَّا يَرَى مِنْ كَرَامَةِ اللَّهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی نیست که وارد بهشت شود و آرزو کند از آن بیرون رود، مگر شهید که به خاطر کرامتی که از جانب خداوند دیده است آرزو می کند (به دنیا) برگردد و دهها بار کشته شود.

مستدرک الوسائل (نشر آل البيت، قم، ۱۴۰۸ هـ ق)، ج ۱۱، ص ۱۳.

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوَّلُ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ الشَّهِيدِ كَفَّارَةٌ لِذُنُوبِهِ ...

امام باقر علیه السلام فرمودند: اولین قطره خون شهید کفاره گناهان اوست.

من لا يحضره الفقيه (نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ هـ ق، چاپ دوم)، ج ۳، ص ۱۸۳، باب الدين والقرض.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: سه کس در کفالت خدا هستند: مردی که برای خدا به میدان جنگ برود، در پناه خداست تا کشته گردد و به بهشت رود، یا با ثواب و اموال دشمن به وطن بازگردد، و مردی که به سوی مسجد رود، و کسی که سالم وارد خانه‌ی خدا شود.

تحریر المواعظ العديده (نشر الهادی، قم، ۱۴۲۴ هـ ق، چاپ هشتم)، ص ۲۳۷، فصل دوم.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: الشَّهِيدُ لَا يَجِدُ أَلَمَ الْقَتْلِ كَمَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ مَسَّ الْقِرْصَةِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: شهید درد کشته شدن را احساس نمی کند، مگر در حدی که یکی از شما پوست دست خود را بین دو انگشت فشار دهد.

کنز العمال (نشر مؤسسة الرسالة - بیروت، ۱۴۰۵ هـ ق - ۱۹۸۵ م)، ج ۴، ص ۳۹۸، ۱۱۱۰۳.



سیره ی عملی امام مهدی (عج)

در زمان مهدی آنچه هست دوستی و یگانگی است تا آنجا که هر که هراندازه نیاز دارد از جیب دیگری بردارد بی هیچ ممانعتی . در زمان مهدی مومنان در معاملات از یکدیگر سود نمی گیرند. کینه ها از دلها بیرون میرود و همه جا را آسایش و امنیت فرا میگیردمهدی صاحب حشمت و سکینه و وقار است. جامه های درشتناک می پوشد ، نان جو می خورد علم و بردباری و تقوایش از همه بالاتر است، همنام پیامبر است و خلق او خلق محمدی است ...

المهدی الموعود ج ۱ صص ۲۸۰ و ۳۰۰

انس بن مالک می گوید: هنگامی که رسول خدا (ص) از جنگ تبوک بر می گشت، سعد انصاری - یکی از کارگران مدینه - به استقبال آن حضرت آمد. وقتی پیامبر (ص) با او دست داد احساس کرد که دستان وی زبر و خشن است ! نبی مکرم (ص) سؤال کرد: چرا دستان تو این قدر خشن و زبر است؟ عرضه داشت: یا رسول الله! این خشونت و زبری دستان من به خاطر کارکردن با بیل و طناب است تا مخارج خانواده ام را تأمین کنم. پیامبر (ص) دستان او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش جهنم آن را لمس نخواهد کرد.

اسد الغابه، ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۶۹.

نصیحت لقمان

از کسالت و تنبلی بپرهیز، بخشی از عمرت را برای آموزش قرار بده و با افراد لجوج ، گفت و گو و جدل نکن.

